

رابطه خودشناسی با دیگرشناسی از منظر علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) و انعکاس آن در آثار هنری معاصر

چکیده

«خودشناسی» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر به معنای، شناخت خود و معرفت‌یافتن نسبت به استعدادها و جنبه‌های بالقوه درون خویش و ایجاد زمینه‌های رشد برای به فعلیت رساندن آن‌ها است. جهت دستیابی به خودشناسی در این پژوهش با دو پرسش اساسی مواجه هستیم اول اینکه آیا معرفت به خویش در گرو دیگرشناسی اعم از خداوند و یا جهان آفرینش است؟ و دومین مسئله اینکه دستیابی به خودشناسی چه تأثیری در آثار هنری شخص هنرمند دارد؟ علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) به‌عنوان دو حکیم و عارف برجسته دوران معاصر معتقدند که انسان یگانه موجودی است که توانسته با سعه وجودی خویش، تمام عوالم هستی را دربرگیرد؛ ایشان وی را از جنبه مظهریت حق تعالی، عالم کبیر و از جنبه مادی‌اش، عالم اصغر نامیده‌اند. بر این اساس، انسان می‌تواند با شناخت خویش به شناخت عوالم و موجودات دیگر دست یابد و به همان میزان که هنرمند به این مهم (خودشناسی) دست می‌یابد، اثر هنری وی شرافت و تأثیرگذاری بیشتری بر مخاطب خویش خواهد داشت.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی رابطه خودشناسی با دیگرشناسی از منظر علامه طباطبایی و امام خمینی (ره).
۲. بررسی خودشناسی در آثار هنری معاصر.

سؤالات پژوهش:

۱. رابطه خودشناسی با دیگرشناسی از منظر علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) چگونه است؟
۲. خودشناسی در آثار هنری معاصر چگونه بازتاب یافته است؟

کلیدواژه‌ها: خودشناسی، خداشناسی، دیگرشناسی، علامه طباطبایی (ره)، امام خمینی (ره).

مقدمه

از دیرباز تاکنون مسئله «خودشناسی» مهم‌ترین مسئله بشر بوده و این موضوع در بین علوم مختلف مورد توجه بسیار زیادی قرار گرفته است. در این میان، انسان نه موجودی منفک از جهان، بلکه پاره‌ای از جهان هستی است؛ بنابراین شناخت خویشتن از شناختن دنیا جدا نمی‌باشد. اکنون سؤال اینجاست که آیا خودشناسی در گرو دیگرشناسی (اعم از خداشناسی و جهان‌شناسی) است؟ به عبارت دیگر، اگر ما بخواهیم خود را بشناسیم آیا قبل از آن باید جهان را بشناسیم؟ در پاسخ به این سؤال، دو دیدگاه عمده وجود دارد؛ عده‌ای گمان می‌کنند که انسان اگر موجودات و اشیاء جهان را بشناسد می‌تواند به شناخت خود نیز دست یابد. گروهی دیگر بالعکس معتقدند انسان تا خود را نشناسد، غیر خود را از جماد، نبات، آسمان و زمین و ... نخواهد شناخت. طبق دیدگاه اول باید خود را بشناسیم که چه کسی هستیم آنگاه می‌توانیم بفهمیم بیرون از ما چه چیزی و چه کسی هست. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۰۳).

عالم کسی است که قدر و منزلت خود را بشناسد و آدمی را همین نادانی بس که منزلت خود را نشناسد. از منظر ایشان کسی که خود را نمی‌شناسد جاهل است و به معنای واقعی نسبت به همه چیز جهل دارد؛ چون انسان، اگر نفس خودش را که مدرک است درک نکند، چگونه می‌خواهد چیزهای دیگر را درک کند؟ فلاسفه و حکمای اسلامی معتقدند انسان با علم حضوری نسبت به نفس خویش آگاهی دارد نه به وسیله تصورات خویش و یا به صورت اکتسابی بلکه به صورت غریزی و فطری بدون اینکه ارتباطی با جهان داشته باشد، خودش را درمی‌یابد. به عبارت دیگر، انسان بدون نیاز به هیچ استدلال، برهان و قضیه‌ای خود را حضوراً درک می‌کند (اشاره به سخن ابن‌سینا در رابطه با انسان معلق در فضا)؛ بنابراین انسان ابتدا خود را درمی‌یابد، سپس خود را در جهان می‌بیند. حاصل اینکه انسان تا خود را نشناسد جهان و آنچه در جهان است را نخواهد شناخت. همین سؤال در رابطه با خداشناسی نیز مطرح است. اگر کسی خودش را نشناسد و نداند که چیست می‌تواند بداند که آیا خدا هست و خدا چیست؟ آگاهی و شناخت نور است (الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ) زمانی که انسان به شناخت خویشتن دست یابد این معرفت و آگاهی درون وی را نیز روشن خواهد کرد و به واسطه همین نور (آگاهی و معرفت) دیگر موجودات و مخلوقات جهان را خواهد شناخت. حقیقت انسان همان نفس اوست که نفخه الهی است اگر بخواهد خدا را بشناسد؛ باید نفس خویش را که از عالم قدسی است بشناسد تا راه خداشناسی نیز برای او گشوده شود.

سؤال دیگر این پژوهش مسئله «خودشناسی» و انعکاس آن در آثار هنری است. هنر اسلامی تا حد بسیار زیادی به عرفان نزدیک و با آن عجین شده است. عرفان واصل شدن به وجود مطلق (و نه ادراک صرف استدلالی) است از طریق سلوک (عرفان عملی)؛ و این همان مسیری است که «هنرمند» نیز در آن حرکت می‌کند. وصول به حق و حقیقت از طریق استكمال نفس (خودشناسی) و بازتاب این تجربه در آثار هنری کاری است که «هنرمند» می‌کند و تجارب عملی خود از مراتب و عوالم وجود را در «هنر» بازتاب می‌دهد. «هنر» و «عرفان» هر دو معرفتی مستقیم و فراحسی و فراعقلی هستند که کارشان را با نقد عقل و توسل به عالم خیال و کشف و شهود شروع می‌کنند. هنرمندان اسلامی همیشه در تلاش هستند که آثار هنریشان (معماری، موسیقی، شعر، نقاشی و...) بازتاب و تجلی حقایق و کشف و شهودات باطنی خود در رابطه با عوالم فرامادی موجودات و مخلوقات هستی می‌باشد و هنرمند سالک در نهایت سیر باطنی خویش به آن جا می‌رسد که چشم و گوش قلب او بر حقایق گشوده شده و از ظاهر کنده می‌شود و نگاهش فراتر از نگاه عامه می‌رود و انعکاس این معنا را می‌توان در طرح‌های اسلیمی وحدت در کثرت و کثرت در وحدتی که در

معماری و تزئینات گنبدها و مناره‌های مساجد و یا حرم ائمه معصوم نقش بسته است، به‌وضوح مشاهده کرد. خلق چنین آثاری، انسان را به فضایی ملکوتی پیوند می‌دهد، تا آنجا که برای لحظاتی مخاطب اثر را فانی از تعلقات مادی و تعینات وجودی خواهد کرد.

باتوجه به ارجحیتی که نقش انسان در نظام هستی دارد لازم است ابتدا در باب جایگاه انسان در مراتب هستی مطالبی را بیان کنیم و پس از آن به ارتباط میان خودشناسی با دیگرشناسی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) و انعکاس آن (خودشناسی) در آثار هنری خواهیم پرداخت.

نتیجه‌گیری

انسان در مکاتب فلسفی - عرفانی و از جمله در بیان علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره) به‌عنوان خلیفه‌الله و برترین موجود در عالم هستی به‌شمار می‌آید. وی یگانه موجودی است که از چنان جامعیت و سعه وجودی برخوردار است که تمام عوالم هستی را دربر می‌گیرد؛ به‌نحوی که او را از جنبه مظهریت حق تعالی عالم کبیر می‌دانند که هرچه در عالم کبیر هست در او نیز می‌باشد و از جنبه مادی او را عالم اصغر می‌خوانند. بنابراین باتوجه به این سعه وجودی انسان می‌تواند با شناخت خویشتن بدون اینکه با جهان خارج از خود ارتباطی داشته باشد به شناخت عوالم و نیز موجودات دیگر دست یابد؛ حاصل اینکه شناخت دیگری در گرو خودشناسی است. انسان در مرحله نخست خود را می‌شناسد و پس از آن خود را در جهان می‌یابد و به‌واسطه شناخت خود جهان را خواهد شناخت. اما در بحث خداشناسی و رابطه آن با خودشناسی باید گفت علامه طباطبایی (ره) در بیانی متفاوت از دیدگاه دیگر حکما از جمله امام خمینی (ره)، قائل به تقدم خداشناسی بر خودشناسی می‌باشد. در بیان تأثیر خودشناسی بر آثار هنری نیز باید گفت هرچه آینه خیال «هنرمند» از زنگارهای نفسانی پاکیزه‌تر باشد تصویر و نقش کامل‌تری از حقایق آن عالم لطیف و معنوی را نمایان می‌سازد. هنرمندی که به خودشناسی دست یافته عارف به تمام عوالم و حقایق مادی و فرامادی است و در مقام بیان مشهودات و واردات عینی و مبادی قدسی در پرده خیال خویش است و می‌کوشد که رویت شهودی خویش را که با احساسات لطیف و عارفانه او همراه است به بهترین وجه ممکن در اثر هنری خویش تجلی دهد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الحکم . مصطفی درایتی. قم: مرکز نشر التابع المکتب الاعلام الاسلامی.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۱). «ادراک خیالی و هنر». خیال، ش ۲، ۱۱-۶.

ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۹۲). ترجمه و شرح اشارات و تنبیها. حسن ملکشاهی، دو جلدی، تهران: انتشارات سروش.

اردبیلی، سید عبدالغنی. (۱۳۹۲). تقریرات فلسفه امام خمینی (ره). ۳ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (عروج).

انصاری شیرازی، یحیی. (۱۳۸۷). دروس شرح منظومه حکیم متأله حاج مل هادی سبزواری. ۴ جلدی، قم: بوستان کتاب.

بینایی مطلق، محمد. (۱۳۸۱) مبانی متافیزیکی زیبایی و هنر. نبوی، سید عباس، قم: نشر معارف.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵) تفسیر انسان به انسان. محمدحسین الهی زاده، قم: اسراء.

حکیم زاده، پدram. (۱۳۹۷). هنر اسلامی: اهداف، اصول، دیدگاه. تهران: نشر شهر پدram.

حسینی، عفت السادات؛ ضیاء شهابی، پرویز. جوادی، محسن. (۱۳۹۸). «پژوهشی پیرامون هنر از حیث اعتباری بودن براساس نظریه اعتباریات علامه سید محمدحسین طباطبایی». فلسفه و کلام اسلامی، ش ۶، ۲۲۸-۲۰۷.

حکمت مهر، محمد مهدی و همکاران. (۱۳۹۸). «عوامل هستی در حکمت اسلامی و برآیند آن در حکمت هنر اسلامی». حکمت اسلامی، ش ۲، ۷۴-۵۱.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵). لغت نامه. جعفر شهیدی. ۲ جلدی، تهران: دانشگاه تهران.

شبستری، محمود بن عبدالکریم. (۱۳۸۲). گلشن راز. محمد حماصیان، کرمان: خدمات فرهنگی کرمان.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۱۰). الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. حاشیه نویسنده: هادی بن مهدی سبزواری - علی بن جمشید نوری - محمد حسین طباطبایی - علی بن عبدالله زوزی - محمد بن معصوم مدرس زنجانی، علی. سمیع، اسماعیل بن محمد و اصفهانی، واحد العین. (بی تا). مقدمه نویسنده: محمد رضا ظفر، ۹ جلدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. محمد باقر موسوی همدانی، ۲۰ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).

-----،----- . (۱۳۷۶). ترجمه بدایه الحکمه. محمد باقر سعیدی روشن، قم: بی نا.

-----،----- (۱۳۸۷ الف). مجموعه رسائل علامه طباطبایی (ره). تصحیح: هادی خسرو شاهی، ۳ جلدی، قم: بوستان کتاب.

-----،----- (۱۳۸۷ ب). ترجمه و شرح نهاییه الحکمه. تصحیح: علی شیروانی، ۳ جلدی. قم: بوستان کتاب.

-----،----- (۱۳۸۸ ب). انسان از آغاز تا انجام. هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.

-----،----- (۱۴۲۸ ه.ق). مجموعه رسائل العلامة الطباطبائی (ره). صباح ربیعی، قم: باقیات.

موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۲). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (عروج).

-----،----- (۱۳۸۹ ب). صحیفه امام. ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (عروج).

-----،----- (۱۳۷۶). شرح دعای سحر. احمد فهری زنجان، تهران: نشر تربت.